

سخن مدیر مسئول

تقدیم به روح بلند استاد فقید علی‌اکبر غفاری

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. برای یک جامعه، بهترین عامل پیشرفت و تکامل معنوی «دین» است؛ اگر صحیح آنگونه که خداوند حکیم می‌خواهد، عرضه شود. و هم بدترین عامل سقوط و نابودی «دین» است؛ اگر سلیقه‌های بشری در آن دخالت کند و هر کسی با توجیه خود، کلامی به میل خود بدان نسبت دهد.

امیرالمؤمنین علیه السلام از این پدیده، بدین عنوان تعبیر می‌کند که اسلام را همچون «پوستین وارونه» بر تن کرده‌اند (نهج البلاغه، خ ۱۰۷) بدین معنا که احکام و تعالیم اسلام را تحریف کنند تا جایی که تنها اسمی و ظاهری و شعائری از آن، بر جای ماند. (نک: فی ظلال نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۴۰)

۲. مداخله سلیقه‌ها و هوشهای بشری در حریم دین الاهی، پیشینه‌ای دیرینه دارد. این کار، از روزگاران کهن تا کنون، «بدعت در دین» را پدید می‌آورده که پیشوایان معمصوم علیهم السلام همواره با شدیدترین هشدارها، مردم را و جوامع را از آن بر حذر می‌داشته‌اند و به آنان تذکر می‌داده‌اند که به محض دیدن نخستین نشانه‌های آن، به هوش باشند.

ائمه علیهم السلام گاه در کلام خود گفته‌اند: «هیچ عاملی مانند بدعت، دین را به فساد نمی‌کشاند». گاهی «رأی شخصی و هوای نفسانی و قیاس بشری» را «عامل نابودی دین» شناسانده‌اند. گاه به مردم تذکر داده‌اند که از «آغاز روی دادن فتنه‌ها» بر حذر

باشند که چیزی نیست جز «احکامی که بدعت نهاده می‌شود و هوشهای نفسانی که از آن پیروی کنند؛ آراء و هوشهایی که در آنها با کتاب خدا مخالفت شود.» (کافی، ج ۱، ص ۵۴، ح ۱) و دهها عنوان در این زمینه که در این گفتار کوتاه نمی‌گنجد.

۳. ماجراهی بدعت‌گذاری در دین، ماجراهی است به قدمت تاریخ حیات انسان؛ از روزی که:

- انسان بوده، با اختیاری که می‌تواند به سوی بدی رود؛
 - دین بوده، که از ناحیه خدای حکیم برای راهنمایی انسانها فرود آمده؛
 - عوامل نفسانی (مانند هواپرستی و ریاست طلبی و استکبار) در میان بوده که در پی آن، ساخته بشتری را به نام دین حقّ به مردم بشناساند.
- از همان روزها، بدعت، پا به پای دین پیش آمده است و تاریزی که شجره طبیّة دین بر پاست - یعنی تا قیام قیامت - همواره، آفته به نام بدعت، در این درخت آسمانی جای می‌گیرد که باید آن را زدود. برای همین آفت‌زادایی است که رسول رحمت ﷺ، خبر می‌دهد که در هر نسلی، حجّتهايی الاهی هستند که تأولهای باطل و تحریفهای ناروا را از دین می‌زدایند تا دینِ خدا، صحیح و بی‌غلط، برای جویندگانِ راه درست و دین استوار (صراط مستقیم و دین قویم) روشن باشد.
- (وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۵۱)

۴. مدتی است که در بیان فرهنگ مداران، «ضرورت مبارزه با تحریفها و خرافات» مطرح می‌شود. این رویکرد، بسی خجسته است به شرط آنکه با راهکار مناسب و درست اجرا شود. البته قبل از همه، بهتر است به جای «مبارزه با خرافات»، از «تبیین خرافات» سخن گوییم و راه قرآن را بپوییم که فرمود:

لَا إِكْرَاهٌ فِي الدِّينِ، قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيْرِ. (بقره (۲) / ۲۵۶)

إِنَّا هُدِينَا إِلَيْهِ السَّبِيلَ، إِمَّا شَاكِرٌ وَ إِمَّا كَفُورٌ. (انسان (۷۶) / ۳)

«تبیین»، جنبه عطوفت و مهربانی دارد که انسان را بهتر به خود می‌کشاند. در هر

حال، برای تبیین خرافات و تحریفات، باید به این نکته مهم توجه شود که بخشنده از اجزاء تشکیل دهنده خرافات، «حقایق قطعیه»‌اند که به دلیل «همراهی با مطالب سست و نادرست»، به جهتگیری غلط می‌انجامند.

خرافه، هیچ‌گاه بر مبنای مطلب جعلی یا هدف دروغین، شکل نمی‌گیرد؛ بلکه هدفی را ادعا می‌کند که در نفس خود، هدفی مقدس و حقیقتی استوار است؛ اما با رویکردی خاص که به خرافه و تحریف می‌رسد. پس در اینجا باید با نگاهی «کلان‌نگر» به پدیدهٔ خرافه نگریست، نه «خُردنگر». در نگاه خُرد، برخی از اجزای خرافه و حقیقت، به هم شباهت دارند. بدین روی، باید به کل دیوار بنگریم نه آجرهای آن. کسی که دیوار کج را توجیه و تبلیغ می‌کند، آجرهای سالم آن دیوار را به رُخ دیگران می‌کشد؛ اما عاقل آن است که به جای توجه به تک‌تک آجرها، به کل دیوار بنگرد که آیا راست است یا کج؟! و براین مبنا، حکم کند.

۵. سؤال اصلی این است که: «دیوار، راست است یا کج؟» کج بودن دیوار را چگونه باید فهمید؟ کسی که دیوار راست را نمی‌شناسد و ندیده است، چگونه بفهمد که دیواری کج است یا نه؟ برای این کار، به کمک وسیله‌ای مانند شاقول باید دیوار راست را بشناسد. اگر وسیله‌ای مانند شاقول به کار گرفته نشود، چگونه می‌توان فهمید که دیوار، کج است؟! جانِ کلام همین جاست: ما برای اینکه «خرافه بودن خرافه» را ابتدا خود بشناسیم و سپس به دیگران بشناسانیم، چه ابزاری درست کرده‌ایم و چه ابزاری به دست دیگران داده‌ایم؟

هشدارهای فرهنگ‌مداران در مورد ضرورت شناسایی و تبیین خرافه و تحریف، بسیار پسندیده و ضروری است؛ اما در مرحله تعیین اهداف کلی برنامه‌ها و دیدگاههای فرهنگی. ولی هر هدف کلی، راهکارهایی مناسب خود را در مرحله اجرا می‌طلبد. یکی از این راهکارها، شناختن و شناساندن حقیقت است تا مانند شاقول به دست گیریم و خرافه را باز بشناسیم.



۶. گام نهادن در مسیر راهکارها، کاری دشوار و دراز مدت است که به عواملی همچون: دقّت، حوصله، ژرفنگری و دورنگری نیاز دارد و مهم‌تر از همه، به معیارهای صحیح نیازمند است. در این مجال کوتاه، می‌خواهیم فقط به عامل اخیر پردازیم؛ گرچه تمام آن عوامل، جای بررسی دارند.

«معیارهای صحیح در فهم دین» را از کجا باید فراگرفت تا به عنوان ضابطه در اختیارمان باشد و بر اساس آن، خرافه‌ها و تحریفها را باز شناسیم؟

بر مبنای توضیحاتی که در سرمهقاله‌های پیشین آمده، «کتاب کافی» یکی از مهم‌ترین منابع برای شناخت این معیارهایست که با نگاه فقاهتی - به معنای جامع و صحیح کلمه - یعنی با تقوای علمی و فکری، می‌توان بیشترین بهره را از آن گرفت. این کلید نه تنها درهای قدیمی که درهای جدید را نیز می‌گشاید.

دقّت کنیم که زایش خرافات، روندی پیوسته است که همیشه ادامه دارد؛ گرچه لباس نو بر تن کند و نام «بازنگری فکری» بر خود نهد. حقایق فطری که در احادیث کتاب شریف کافی نهفته، مبتنی بر عقل سليم و مبین قرآن و سنت صحیح است؛ با چنان قدرت علمی که همواره می‌توان بر مبنای آن «شاقولهای علمی» ساخت و دیوارهای کج خرافه و تحریف را باز شناخت.

۷. ساختن این شاقولها، به نیازشناسی، مسئله‌شناسی، مخاطب‌شناسی و همراه آن، به دردمندی و دقّت و حوصله نیاز دارد. مشکل ما درون‌مایه منابع نیست، چرا که غنی‌ترین منابع را در اختیار داریم. ولی نوع نگاه ما به آن منابع باید متناسب با نیازهایمان باشد. در برابر دیدگاههای التقاطی، برخوردهایی صحیح با هدف تبیین مسائل، بر مبنای احادیث کافی - در زمینه‌های عقاید، اخلاق، انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، آینده‌شناسی، مسائل اجتماعی، فروع احکام، تاریخ اسلام و موارد دیگر - انجام شده که تجربه‌های آنها، غنای این کتاب شریف را در مواجهه با انواع مسائل نشان می‌دهد؛ ولی آن تجربه‌ها به همان عوامل نیاز دارد که یاد شد. کیست

که در این غوغای رقابت کمیتها و دنیاطبیهای رنگ و وارنگ، به این مهم بیندیشد؟! کیست که از این خوان‌گسترده‌الاهی، لقمه‌هایی برای نسل جوان آسیب‌پذیر و سرنوشت ساز برگرد تا آنان، گرسنگی فکری خود را با غذاهای آماده‌آلوده و مسموم، برطرف نکنند؟!



۸. آیا چنین نگاهی به منابع نقلی، به معنای تعطیل عقل است؟! سخن در این است که حکم عقل، رجوع به منابع نقلی و تسليم در برابر آن است؛ چرا که عقل و نقل، هر دو، حجت‌های خدایند بر مردمان. و این حجتها، همواره، با هم پیوسته و همراه‌اند. بهتر آن است که در اینجا، سخن فقیه اصولی بزرگ، میرزا ابوالقاسم قمی - صاحب کتاب قوانین الاصول - را بیاوریم. آن بزرگ‌مرد میدان اندیشه و عمل - که در آستانه دویستمین سالگرد وفات او هستیم - در ضمن نصایح علمی خود می‌گوید:

«تخلیه و مبرأ کردن نفس در اینجا بسیار صعب است، چرا که هیچ لذتی در دنیا فوق لذت ادراک نیست. و هیچ مایه دنیایی فریبنده‌تر از علم نیست. از همه چیز زودتر، آدمی را هلاک می‌کند. و امراک، هرچه دقیق‌تر و لطیفتر باشد، فریبنده‌تر است. بسیار مرد بزرگی می‌خواهد که بعد (از) مجاهده بسیار، مطلبی را بفهمد و منظم کند، و به مجرد اینکه کلامی از مخصوص به او برسد، از فکر خود دست بردارد، و به حقیقت کلام مخصوص عمل کند. بلکه چون امر او مردّ بین‌المحدثین می‌شود، سعی مالا کلام مبدول دارد که میانه آنها جمع کند. چون کلام خود را، دل نمی‌گذارد که دست بردارد، کلام مخصوص را تأویل می‌کند. فهم و ذهن و شعور و قاد، مایه امتحانی است به جهت انسان، که در هر زمانی، دینی می‌توان به اثبات آورد با ادله تمام. و سخت شیبیه است ذهن و قاد به صورت بسیار خوب، که حق تعالیٰ کسی را بسیار خوش صدا کرده باشد، و می‌گوید که عنا مکن که حرام است.

پس هرچند افلاطون را به شاگردی قبول نداشته باشی، و ابوعلی را خوش‌چین



خر من خود ندانی، همین که یک حدیث از مقصوم به تو رسید و دانی که از مقصوم است، همانجا بایست و بسیار اجتهاد و سعی کن تا تخلیه کامل کنی، و از خدا بخواه که راهنمایی به حقیقت بکند.^۱

۹. مدینه فاضلۀ حیات بشر، ظهور آن امام موعود است که دین را بدون کثری و ناراستی به بشر عرضه می‌کند و حقایق دین را به آنها می‌نمایاند، که عمدۀ مقاومت‌های نااھلان و حق‌ستیزان در برابر حضرتش، از همین جا ناشی می‌شود. آن امام همام، «هوی» را به «هدی» بر می‌گرداند و «رأی» را به «وحی»؛ در حالی که پیش از ظهور، به عکس آن عمل می‌شد.

۱۰. اگر باید برای آن روز باید انتظار بکشیم - که چنین باید - و اگر در آن روز باید در زمرة یاوران حضرتش باشیم - که چنین باید - پس بایسته آن است که از هم اکنون، در جهت شناختن دین صحیح بر مبنای منابع استوار همچون کتاب شریف کافی و آنگاه شناساندن آن به دیگران و سرانجام، تبیین راه درست از نادرست، بکوشیم تا زمینه درون و بروون فرد و جامعه برای آن روز بی‌مانند آماده شود. بدان امید که هر چه زودتر، در باران آن لحظات آسمانی، درون جان را بشوییم و در پرتو ارشاد و هدایت امام مهدی هادی، در این وادی، ره سپاریم و چونان شمعی راه به دیگران نماییم. آمین یا رب العالمین.

۱. رساله رکنیه (به ضمیمه کتاب قم‌نامه)، به کوشش سید حسین مدرسی طباطبائی، چاپ کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ص ۳۶۶-۳۶۷.